

Islamic Revolution-Oriented Family Patterns as Agents of Cultural Reproduction of Resistance: A Case Study of Martyr Households

Narges Mossaibi Sari

Assistant Professor, Department of Islamic Studies, University of Qom, Iran.
Email: n.mosayebi@whc.ir

Davoud Feyzfar

Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Qods City Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Email: feyzafra@iaui.ac.ir

Abstract

The family, as the most fundamental social institution, plays a decisive role in transmitting values and reproducing culture in societies. This research aims to identify patterns of the family aligned with the Islamic Revolution in producing and reproducing resistance culture. This applied-developmental study uses a qualitative method with a thematic analysis approach. Findings reveal that this family model rests on three interconnected themes: the insight-oriented family, the identity-building family, and the active family. In this framework, insight generates awareness and discernment, identity reinforces belonging and cultural memory, and action transforms values into tangible social behavior. A case study of the families of martyrs demonstrated that these three components are manifested through religious commitment, intergenerational transmission of values, conscious sacrifice, social responsibility, and active cultural participation. Accordingly, the family aligned with the Islamic Revolution can be regarded as a strategic institution in reproducing the culture of resistance and sustainably transmitting religious and revolutionary values to coming generations.

Keywords: Thematic Analysis, Family Aligned with Islamic Revolution, Martyrs' Families, Islamic Lifestyle, Resistance Culture

أنماط الأسرة المتزنة (أو النموذجية) في ضوء الثورة الإسلامية بوصفها مؤسسة لإنتاج وإعادة إنتاج ثقافة المقاومة (مع مقارنة دراسة عائلات الشهداء)

نرگس مسیبي ساري

أستاذة مساعدة في قسم المعارف الإسلامية، جامعة قم، إيران

البريد الإلكتروني: n.mosayebi@whc.ir

داود فیض أفرا

أستاذ مساعدة في قسم المعارف الإسلامية، فرع شهر قدس، جامعة آزاد الإسلامية، طهران، إيران

البريد الإلكتروني: feyzafra@iaui.ac.ir

الملخص

تُعد الأسرة، بصفاتها المؤسسة الاجتماعية الأكثر أساسية، لاعباً حاسماً في نقل القيم وإعادة إنتاج الثقافة في المجتمعات. يهدف هذا البحث إلى تحديد أنماط الأسرة المواكبة للثورة الإسلامية في عملية إنتاج وإعادة إنتاج ثقافة المقاومة. وهذه الدراسة، من حيث الهدف، تطبيقية-تطويرية، ومن حيث المنهج، نوعية تعتمد على تحليل المضمون. وأظهرت النتائج أن الأسرة المواكبة للثورة الإسلامية تقوم على ثلاثة محاور شاملة ومتراصة: الأسرة البصيرة-المحورية، والأسرة الهوية-البناءة، والأسرة الفاعلة. ففي هذا النموذج، تولد البصيرة الوعي والفطنة، وتعزز الهوية الانتماء والذاكرة الثقافية، ويحول الفعل القيم إلى سلوك اجتماعي. كما أظهرت دراسة حالة لأسر معظم الشهداء أن هذه المكونات الثلاثة تتجلى من خلال الالتزام الديني، والنقل بين الأجيال للقيم، والتضحية الواعية، والمسؤولية الاجتماعية، والمشاركة الثقافية. وعليه، يمكن اعتبار الأسرة المواكبة للثورة الإسلامية مؤسسة استراتيجية في إعادة إنتاج ثقافة المقاومة، والنقل المستدام للقيم الدينية والثورية إلى الأجيال القادمة.

الكلمات المفتاحية: تحليل المضمون، الأسرة المواكبة للثورة الإسلامية، أسر الشهداء، نمط الحياة الإسلامي، ثقافة المقاومة

الگوهای خانواده تراز انقلاب اسلامی به عنوان نهاد تولید و بازتولید فرهنگ مقاومت (با رویکرد مطالعه خانواده شهدا)

نرگس مسیبی ساری

استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه قم، ایران

Email: n.mosayebi@whc.ir

داود فیض افرا

استادیار گروه معارف اسلامی واحد شهر قدس دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران

Email: feyzafra@iaau.ac.ir

چکیده

خانواده به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در انتقال ارزش‌ها و بازتولید فرهنگ در جوامع ایفا می‌کند. پژوهش حاضر با هدف شناسایی الگوهای خانواده تراز انقلاب اسلامی در فرآیند تولید و بازتولید فرهنگ مقاومت انجام شده است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی-توسعه‌ای و از نظر روش، کیفی با رویکرد تحلیل مضمون است. یافته‌های پژوهش نشان داد که خانواده تراز انقلاب اسلامی بر سه مضمون فراگیر و به هم پیوسته خانواده بینش‌مدار، خانواده هویت‌بخش و خانواده کنش‌گراستوار است. در این الگو، بینش موجب شکل‌گیری آگاهی و بصیرت، هویت موجب تقویت تعلق و حافظه فرهنگی، و کنش موجب تبدیل ارزش‌ها به رفتار اجتماعی می‌شود. همچنین مطالعه موردی خانواده‌های معظم شهدا نشان داد که این سه مؤلفه در قالب تقید اعتقادی، انتقال بین‌نسلی ارزش‌ها، ایثار آگاهانه، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مشارکت فرهنگی تجلی یافته است. براین اساس، خانواده تراز انقلاب اسلامی را می‌توان نهادی راهبردی در بازتولید فرهنگ مقاومت و انتقال پایدار ارزش‌های دینی و انقلابی به نسل‌های آینده دانست.

کلید واژگان: خانواده تراز، انقلاب اسلامی، خانواده شهدا، مقاومت، روایت‌گری

مقدمه

خانواده به عنوان بنیادی ترین نهاد اجتماعی، مهم ترین بستر انتقال ارزش ها، باورها و هنجارهای فرهنگی به نسل های جدید محسوب می شود. در اندیشه اسلامی نیز خانواده صرفاً یک واحد زیستی یا عاطفی نیست، بلکه کانون اصلی تربیت انسان، شکل گیری هویت دینی و اجتماعی و بازتولید فرهنگ در جامعه به شمار می آید (تقوی پور و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۱۹-۱۴۸)، (ذکی و پارسانیا، ۱۴۰۱، ص ۱۴۲). از این رو، پایداری و کارآمدی هر جامعه تا حد زیادی به کیفیت عملکرد خانواده در انتقال ارزش ها و تربیت نسل آینده وابسته است.

در گفتمان انقلاب اسلامی، خانواده افزون بر کارکردهای متعارف خود، مسئولیت مهمی در تربیت نسلی مؤمن، مسئولیت پذیر و برخوردار از روحیه مقاومت بر عهده دارد. پژوهش ها نشان می دهد که خانواده از طریق الگوهای تربیتی، روابط عاطفی و سبک زندگی والدین، نقش تعیین کننده ای در شکل گیری باورهای دینی و هویت ارزشی فرزندان ایفا می کند (عترت دوست، ۱۴۰۱، ص ۱)، (جعفرزاده شهر بابکی و مهاجری، ۱۴۰۳، ص ۲). در این چارچوب، فرهنگ مقاومت به عنوان مجموعه ای از ارزش ها و الگوهای رفتاری مبتنی بر پایداری، ایثار، مسئولیت پذیری، حفظ هویت و مقابله با سلطه، یکی از مؤلفه های مهم هویت انقلاب اسلامی محسوب می شود و نقش مؤثری در تقویت انسجام فرهنگی و اجتماعی دارد (اسدی، ۱۳۹۶، ص ۹۲).

با وجود این، تحولات فرهنگی و اجتماعی دهه‌های اخیر، از جمله گسترش فردگرایی، تغییر سبک‌های زندگی و افزایش شکاف نسلی، فرآیند انتقال ارزش‌ها را با چالش‌هایی مواجه ساخته است. در چنین شرایطی، شناخت سازوکارهایی که خانواده را به نهادی مؤثر در تولید و بازتولید فرهنگ مقاومت تبدیل می‌کنند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مرور ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه مطالعات متعددی درباره خانواده تراز، سبک زندگی اسلامی، خانواده‌های شهدا و فرهنگ مقاومت انجام شده است، اما اغلب این پژوهش‌ها به بررسی جداگانه این موضوعات پرداخته‌اند و کمتر تلاشی برای ارائه الگویی منسجم از مؤلفه‌های خانواده تراز در فرآیند بازتولید فرهنگ مقاومت صورت گرفته است.

براین اساس خلأ اصلی پژوهش حاضر، فقدان یک الگوی تحلیلی روشن از سازوکارهای شناختی، هویتی و رفتاری خانواده‌های موفق در انتقال فرهنگ مقاومت است. ازاین‌رو پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون و مطالعه اسناد و منابع مرتبط، در پی پاسخ به این پرسش است که الگوها و مؤلفه‌های خانواده تراز انقلاب اسلامی در فرآیند تولید و بازتولید فرهنگ مقاومت کدام‌اند و این الگوها در سبک زندگی خانواده‌های معظم شهدا چگونه تجلی یافته‌اند؟

الف. روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی-توسعه‌ای و از نظر ماهیت داده‌ها،



کیفی است که با رویکرد تحلیل مضمون، انجام شده است. انتخاب رویکرد کیفی از آن جهت ضروری بوده که هدف اصلی پژوهش، کشف، تبیین و طبقه‌بندی الگوهای پنهان و آشکار در سیره خانواده‌های تراز انقلاب اسلامی است. جامعه آماری شامل کلیه متون، اسناد و منابع دست اول مرتبط با سیره خانوادگی شهدا، امامین انقلاب و مقالات علمی-پژوهشی منتشرشده در حوزه خانواده تراز در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ است. روش نمونه‌گیری، هدفمند و گردآوری داده‌ها به شیوه اسنادی و فیش‌برداری از منابعی نظیر وصایای شهدا، خاطرات مکتوب خانواده‌های معظم شهدا و متون علمی مرتبط انجام شده است. فرآیند تحلیل داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی صورت گرفته تا الگوی نهایی و تیپ‌شناسی خانواده استخراج گردد.

ب. مبانی مفهومی و چارچوب نظری پژوهش

برای واکاوی علمی نقش خانواده در تولید و بازتولید فرهنگ مقاومت، ابتدا لازم است مفاهیم کلیدی پژوهش و چارچوب نظری حاکم بر آن تبیین گردد. این چارچوب بر پایه تعاریف عملیاتی و مبانی و حیانی استوار است.

۱. خانواده تراز انقلاب اسلامی

خانواده تراز انقلاب اسلامی به الگویی از خانواده اطلاق می‌شود که روابط، کارکردها و فرایندهای تربیتی آن بر مبنای آموزه‌های اسلامی و ارزش‌های انقلاب اسلامی سامان یافته است. چنین خانواده‌ای علاوه بر ایفای کارکردهای متعارف

عاطفی، اقتصادی و تربیتی، در انتقال ارزش‌های دینی، تقویت هویت اسلامی-ایرانی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تربیت نسل متعهد نقش فعال ایفا می‌کند (تقوی‌پور و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۱۹-۱۴۸). در این الگو، خانواده صرفاً مصرف‌کننده فرهنگ نیست، بلکه به عنوان نهادی مولد و بازتولیدکننده ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، در برابر تهدیدات وجودی و تهاجم فرهنگی، به سنگری برای حفظ استقلال و کارآمدی نظام تبدیل می‌شود.

۲. فرهنگ مقاومت

فرهنگ مقاومت مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و الگوهای رفتاری است که انسان را به پایداری در برابر تهدیدها، حفظ هویت، دفاع از ارزش‌های دینی و تلاش برای تحقق اهداف متعالی فردی و اجتماعی سوق می‌دهد. این مفهوم در ادبیات اسلامی بر مبنای مفاهیمی همچون صبر، استقامت، جهاد، مسئولیت‌پذیری و ظلم‌ستیزی شکل گرفته است (میرفادری و کیانی، ۱۳۹۱، ص ۶۹-۹۷). در پژوهش حاضر، فرهنگ مقاومت به عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها و رفتارهای هویت‌ساز در نظر گرفته می‌شود که از طریق فرآیندهای تربیتی و ارتباطی خانواده به نسل‌های بعدی انتقال می‌یابد.

۳. پیوند مفاهیم و مبانی قرآنی-اخلاقی (زیربنای نظری)

این دو مفهوم (خانواده تراز و فرهنگ مقاومت) در چارچوب نظری این پژوهش، جدا از هم نیستند، بلکه ریشه در آموزه‌های وحیانی دارند. قرآن کریم مقاومت را یک ضرورت فطری و واجب شرعی، می‌داند که فقدان آن موجب فساد



در زمین می‌شود (میرقادی و کیانی، ۱۳۹۱، ص ۶۹-۹۷). در این چهارچوب، رشد اخلاقی خانواده تراز برپایه اصولی همچون مسئولیت‌پذیری، عقلانیت در مدیریت و پایداری برارزش‌های فراتاریخی استوار است (شهریاری، ۱۴۰۲، ص ۲۱۳-۲۳۱). بنابراین خانواده تراز با تکیه بر این مبانی قرآنی، مقاومت را از یک مفهوم صرفاً نظامی یا مقطعی، به یک سبک زندگی پویا تبدیل می‌کند که در آن صبر فعال و روایتگری مستمر جاری است.

ج. یافته‌های پژوهش: الگوهای سه‌گانه خانواده تراز

تحلیل مضامین حاصل از منابع علمی، اسناد مرتبط با خانواده‌های شهدا، بیانات رهبران انقلاب اسلامی و مطالعات انجام‌شده در حوزه خانواده تراز، نشان داد که الگوی خانواده تراز انقلاب اسلامی از سه مضمون فراگیر و به هم پیوسته تشکیل شده است: خانواده بینش‌مدار، خانواده هویت‌بخش و خانواده کنش‌گر. این سه مضمون در تعامل با یکدیگر، زمینه تولید و بازتولید فرهنگ مقاومت را در بستر خانواده فراهم می‌کنند.

۱. خانواده بینش‌مدار؛ کانون تولید معرفت و بصیرت

نخستین مضمون فراگیر استخراج‌شده از داده‌ها، بینش‌مداری است. در این الگو، خانواده صرفاً محل انتقال سنت‌ها و عادات نیست، بلکه محیطی برای شکل‌گیری فهم، تحلیل و قضاوت آگاهانه درباره مسائل فردی و اجتماعی محسوب می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد خانواده‌های موفق در انتقال فرهنگ مقاومت، اهتمام ویژه‌ای به تقویت مبانی اعتقادی، شناخت تاریخی و افزایش

قدرت تحلیل اعضای خود دارند. در این خانواده‌ها، ارزش‌ها از طریق اقناع، گفتگو و تبیین منتقل می‌شوند و فرزندان با چرایی باورها و آرمان‌ها آشنا می‌شوند (تقوی پور و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۱۹-۱۴۸)، (شهریاری، ۱۴۰۲، ص ۲۱۳-۲۳۱). بررسی سیره خانواده‌های شهدا نیز نشان می‌دهد که بسیاری از آنان پیش از آنکه فرزندان خود را به کنشگری اجتماعی دعوت کنند، تلاش کرده‌اند بنیان‌های معرفتی و اعتقادی آنان را تقویت نمایند.

۲. خانواده هویت‌بخش؛ بستر شکل‌گیری تعلق و حافظه فرهنگی

دومین مضمون فراگیر، هویت‌بخشی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که خانواده ترانز انقلاب اسلامی نقش مهمی در شکل‌دهی هویت دینی، ملی و انقلابی اعضای خود ایفا می‌کند. این هویت از طریق روایتگری، انتقال خاطرات، بازخوانی تجربه‌های تاریخی و پیوند عاطفی نسل جدید با ارزش‌های فرهنگی و دینی شکل می‌گیرد (محقق و شریفی، ۱۳۹۹، ص ۹-۳۳)، (شریفی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۹-۳۳). در این الگو، خانواده به منزله حافظه زنده جامعه عمل می‌کند. مراسم خانوادگی، یادآوری خاطرات شهدا و انتقال تجربه‌های زیسته، زمینه‌ساز شکل‌گیری نوعی هویت مشترک در میان اعضای خانواده می‌شود.

۳. خانواده کنش‌گر؛ عرصه تبدیل ارزش‌ها به عمل اجتماعی

سومین مضمون فراگیر استخراج شده از داده‌ها، کنش‌گری است. در این الگو، خانواده به انتقال صرف باورها و هویت اکتفا نمی‌کند، بلکه اعضای خود را برای حضور فعال و مسئولانه در عرصه‌های مختلف اجتماعی آماده می‌سازد.





یافته‌ها نشان می‌دهد که فرهنگ مقاومت زمانی پایدار می‌ماند که از سطح باور و احساس فراتر رفته و به رفتار اجتماعی تبدیل شود (میرقادری و کیانی، ۱۳۹۱، ص ۶۹-۹۷). ویژگی مهم این خانواده‌ها، ترویج مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی، روحیه خدمت و صبر فعال در مواجهه با مشکلات است.

الگوی نهایی خانواده تراز انقلاب اسلامی براساس یافته‌های پژوهش، خانواده تراز انقلاب اسلامی را می‌توان نهادی دانست که از طریق تلفیق سه مؤلفه بینش، هویت و کنش، زمینه بازتولید مستمر فرهنگ مقاومت را فراهم می‌سازد. در این الگو، بینش موجب شکل‌گیری فهم و آگاهی، هویت موجب تعلق و انگیزه، و کنش موجب تجلی عملی ارزش‌ها می‌شود.

د. مطالعه موردی: تجلی الگوی خانواده تراز انقلاب اسلامی در سبک زندگی خانواده‌های معظم شهدا

برای بررسی عینی الگوی استخراج‌شده از یافته‌های پژوهش، سبک زندگی خانواده‌های معظم شهدا به عنوان یکی از برجسته‌ترین مصادیق خانواده تراز انقلاب اسلامی مورد واکاوی قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد که سه مؤلفه بینش‌مداری، هویت‌بخشی و کنش‌گری به صورت هم‌زمان در این خانواده‌ها تجلی یافته است.

در بُعد بینش‌مداری، زندگی همسران و مادران شهدای دفاع مقدس و مدافع حرم نشان‌دهنده تقید عمیق اعتقادی، تعبد مذهبی و تربیت آگاهانه فرزندان است. در این خانواده‌ها، ارزش‌های دینی از طریق گفتگو، اقناع و الگوسازی عملی منتقل می‌شود و اعضا از توانایی بیشتری برای تحلیل مسائل اجتماعی و

حفظ پایداری در شرایط دشوار برخوردارند (گودرزی و میرخانی، ۱۴۰۳، ص ۱۲۱-۱۴۹).

در بُعد هویت بخشی، انتقال خاطرات، وصایا و تجربه های زیسته شهدا، نقش مهمی در شکل گیری هویت دینی و انقلابی نسل جدید ایفا می کند. برگزاری یادواره ها، روایتگری خانواده های شهدا و حضور فعال آنان در عرصه های فرهنگی، موجب تداوم حافظه فرهنگی مقاومت و انتقال بین نسلی ارزش ها شده است (محقق و شریفی، ۱۳۹۹، ص ۹-۳۳)، (شهریاری، ۱۴۰۲، ص ۲۱۳-۲۳۱). در بُعد کنش گری، ویژگی هایی همچون ایشار آگاهانه، قناعت، ساده زیستی و مسئولیت پذیری اجتماعی به وضوح مشاهده می شود. حضور مؤثر همسران و فرزندان شهدا در فعالیت های فرهنگی و تبیینی، تبدیل رنج فقدان به سرمایه ای اجتماعی و معنوی، و نقش آفرینی آنان در ترویج فرهنگ مقاومت، نشان می دهد که ارزش های خانوادگی در این خانواده ها به کنش اجتماعی مؤثر تبدیل شده است (گودرزی و میرخانی، ۱۴۰۳، ص ۱۲۱-۱۴۹)، (میرقادری و کیانی، ۱۳۹۱، ص ۶۹-۹۷).

در نتیجه، خانواده های معظم شهدا را می توان نمونه ای عینی از خانواده تراز انقلاب اسلامی دانست که در آن بینش دینی، هویت انقلابی و کنش مسئولانه در کنار یکدیگر زمینه بازتولید و انتقال پایدار فرهنگ مقاومت را فراهم ساخته اند.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی الگوهای خانواده تراز انقلاب اسلامی در فرآیند تولید و بازتولید فرهنگ مقاومت انجام شد. یافته های حاصل از تحلیل





مضمون نشان داد که خانواده تراز انقلاب اسلامی بر سه مؤلفه بنیادین و به هم پیوسته بینش‌مداری، هویت بخشی و کنش‌گری استوار است. این سه مؤلفه در تعامل با یکدیگر، سازوکار اصلی انتقال ارزش‌ها، تقویت هویت فرهنگی و تبدیل باورهای دینی به رفتار اجتماعی را شکل می‌دهند.

بررسی سیره و سبک زندگی خانواده‌های معظم شهدا نیز نشان داد که این الگوها صرفاً مفاهیمی نظری نیستند، بلکه در عرصه عمل و زندگی روزمره قابلیت تحقق دارند. تقویت مبانی اعتقادی، انتقال بین‌نسلی خاطرات و ارزش‌ها، قناعت، ایثار آگاهانه، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و حضور فعال در عرصه‌های فرهنگی از مهم‌ترین مصادیق این الگوها در خانواده‌های شهدا به شمار می‌آید. این خانواده‌ها توانسته‌اند با تبدیل تجربه‌های زیسته مقاومت به سرمایه‌ای فرهنگی و اجتماعی، نقش مؤثری در تداوم فرهنگ مقاومت ایفا کنند.

براین اساس، خانواده تراز انقلاب اسلامی را می‌توان نهادی راهبردی در حفظ سرمایه فرهنگی جامعه، تقویت هویت دینی و انقلابی و بازتولید فرهنگ مقاومت دانست. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تقویت ابعاد بینشی، هویتی و کنشی خانواده می‌تواند به ارتقای انسجام اجتماعی، افزایش مشارکت مسئولانه و انتقال پایدار ارزش‌ها به نسل‌های آینده کمک کند. ازاین‌رو، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران فرهنگی و نهادهای تربیتی، برنامه‌های خود را بر توانمندسازی خانواده‌ها در این سه حوزه متمرکز ساخته و از ظرفیت خانواده‌های معظم شهدا به عنوان الگوهای عینی و موفق در انتقال فرهنگ مقاومت بهره گیرند.

منابع و مآخذ

۱. تقوی پور، محمدرضا، و اسماعیلی، محسن، و صلواتیان، سیاوش (۱۳۹۶). الگوی جامع خانواده تراز در اندیشه اسلامی: فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۱۱ (۳۸)، ۱۱۹-۱۴۸.
۲. شهریار، روح الله (۱۴۰۲). مبانی و اصول رشد اخلاقی خانواده تراز تمدن نوین اسلامی از منظر بیانیه گام دوم انقلاب: مطالعات سیاسی تمدن نوین اسلامی، ۳ (۵)، ۲۱۳-۲۳۱.
۳. عترت دوست، محمد (۱۴۰۱). بررسی نقش خانواده در تربیت دینی و عاطفی فرزندان: همایش علمی پژوهشی توسعه و ترویج فرهنگ و هنر ایران، اصفهان.
۴. جعفرزاده شهربابکی، فاطمه، و مهاجری، سیده فاطمه (۱۴۰۳). واکاوی نقش خانواده در تربیت نسل مؤمن از دیدگاه اسلام: همایش علوم انسانی با رویکرد نوین، آستارا.
۵. ذکی، عبدالله، و پارسانیا، حمید (۱۴۰۲). نقش خانواده در توسعه فرهنگی بر اساس آموزه‌های اسلامی. معرفت فرهنگی اجتماعی: ۱۴ (۲)، ۱۴۲-۱۴۳.
۶. گودرزی، مریم، و عزت السادات میرخانی (۱۴۰۳). واکاوی سبک زندگی بانوی تراز انقلاب اسلامی: مطالعه موردی همسران شهدای مدافع حرم. علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۱۲ (۲۷)، ۱۲۱-۱۴۹.
۷. محقق، صدیقه، و شریفی، فاطمه (۱۳۹۹). نقش خانواده تراز انقلاب

اسلامی در معنویت گرایی جامعه بین الملل. مطالعات تربیتی و روانشناختی خانواده، ۱(۲) ۹-۳۳.

۸. میرقادری، سید فضل الله، و کیانی، حسین (۱۳۹۱). بن مایه های ادبیات مقاومت در قرآن: مطالعات ادبی متون اسلامی ۱(۱) ۶۹-۹۷.

۹. اسدی، حیدر، و رجبی، هادی (۱۳۹۶). نقش فرهنگ مقاومت در امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه سیاست، ۴(۱۶) ۹۲.